

کتابفروشی خوارزمی



■ آدرس: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۶۸
■ شماره تلفن: ۰۲۱-۰۷۰۶۶۶۴۰

اگر فکر می‌کنید که کتاب در عمرتان بسیار دیده‌اید، بد نیست به خوارزمی تهران سری بزنید. از همان آغاز ورود، تجمع سرسام‌آور اما در عین حال جذابی از کتب را می‌بینید که روی هم تلنبار شده‌اند، در موضوعات مختلف و فراوان. شاید فکر کنید نظمی در کار نیست، اما نمی‌دانید که وسواس عجیبی برای تمیز کردن هر کدام از دیگری، پشت این شلوغی زیبا، نهفته است. خوارزمی به جد کم‌نظیر است، آن‌هم در کل کشور.

کتابفروشی نشر ثالث



■ آدرس: بزرگراه شهید خرازی، مجتمع تجاری ایران مال، طبقه G۳، واحد ۱۸۳
■ شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۳۱۰۵۰۰

نشر ثالث یکی از نشریات اصیل ایرانی در زمینه ادبیات فارسی است و تا به حال دو شعبه از کتابفروشی‌هایش افتتاح شده است. یکی از کتابفروشی‌های نشر ثالث که، از بزرگ‌ترین کتابفروشی‌های تهران است، در ایران‌مال قرار دارد. دکوراسیون مدرن نشر ثالث ایران‌مال کاملاً با فضای خود این مجموعه هم‌خوانی دارد. فضای فروشگاه در ۲ طبقه طراحی شده است و سقف بلند فروشگاه محیطی دل‌باز برای مطالعه و بازدید از کتاب‌ها فراهم می‌کند.

کتابفروشی طهوری



■ آدرس: تهران- خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۳۰۴
■ شماره تلفن: ۰۲۱-۴۸۲۶۶۶۴۶

انتشارات و کتابفروشی طهوری از سوی عبدالغفار طهوری (که به حق نام خادم کتاب بر او نهاده‌اند) در سال ۱۳۳۲ تأسیس شد و به عنوان چهارمین کتابفروشی راسته خیابان شاه‌رضا (انقلاب) محسوب می‌شود. این کتابفروشی یکی از قدیمی‌ترین و نامدارترین کتابفروشی‌های ایران است و سالیان سال شده که در این حوزه به فعالیت خویش، با تحمل سختی‌های فراوان ادامه می‌دهد. طهوری گویا همچنان با قدرت به راه خویش ادامه می‌دهد و از تاثیرگذاران عرصه فرهنگ است.

آن در خیابان جمهوری کنونی و در سال ۱۳۳۲ آغاز به کار کرده بود. هرچند هر چه از طهوری و تاثیرش بگوئیم کم است، چنانچه ایرج افشار به‌درستی عبدالغفار طهوری و کتابفروشی مهم و اصیل او را خدمتگزار راستین فرهنگ ایران نامیده است. مردی که بر کتاب‌ها سلام می‌کرد و با فرهنگ هم‌خانه بود، شاید درست‌ترین تمثیل از جایگاه طهوری باشد. از انتشاراتی‌های شناخته شده دیگر و مدرن آن‌زمان، می‌توان به انتشارات فرانکلین که در چهارراه کالج، در کنار دبیرستان البرز، به کار کتابفروشی سرگرم بود، اشاره کرد. هرچند که داستان این کتابفروشی‌ها تمام نشده است و این روند تا امروز ادامه دارد.

در باب اهمیت خیابان انقلاب بسیار می‌شود گفت، اما بیایید کمی عمیق‌تر بر پوست و گوشت این خیابان بنگریم، به عبارتی در آغوش اندیشه، تشریحش کنیم. بنیامین معتقد است تاریخی گری «تصویر ابدی گذشته را عرضه می‌کند»؛ تصویری که در آن تمامی توجه معطوف به «روزگاران گذشته» است و در آن پیوستار تاریخ بدون هیچ‌گونه امکانی برای حضور واقعیتی نو از طریق یک انفصال یا گسست، به شکلی لاینقطع ادامه می‌یابد؛ به همین دلیل برای بنیامین تاریخ عبارت از «دنباله و توالی وقایع همچون دانه‌های تسبیح [در یک] ردیف» نیست بلکه جهانی است فاقد هر گونه استخوان‌بندی نظری که «عرصه و گستره شکل‌گیری آن، زمان انباشته از حضور لحظه حال» است [علیرضا خادم/ خیابان انقلاب به مثابه یک مادیت مستند/ تهرانشهر]. اما به‌نظر می‌رسد، خیابان انقلاب عکس این مفهوم است. تاریخ شاید به مانند یک تسبیح در ربط با دانه‌هایش باشد، اما عابد، در تاریکی نشسته است و فقط اندکی نور در بالای سرش، قرار دارد و او هر تکه از تسبیح را که می‌بیند؛ بنا بر جایگاه نوری است که به‌نسبت، تنها بخشی را روشن می‌کند و دگر بخش را در تاریکی فرو می‌برد. تاریخ معنایی خرد شده در مکان است که همواره بالاترین پتانسیل زمان را در خود درونی می‌کند، به عبارتی آن چیز که تاریخ هست، زمان و مکان مطلق است که به‌نسبت نیاز و شرایط مردم یک سرزمین، به‌صورتی متمرکز اما نسبی در لحظه، خود را در مکان‌هایی خاص به‌صورت منقطع و ناپیوسته، نمایان می‌کند. یکی از این مکان‌ها، بلاشک خیابان انقلاب است، ساختمان‌های قامت‌افروز دانش، آسفالت‌هایی از جنس حکمت و سنگ‌فرش‌هایی تکه تکه شده در راه علم. این خیابان یعنی تاریخ، یعنی حال و یعنی آینده‌ی کشورمان، زیرا تصور گذشته در خواش آینده، می‌شود نیاز حال و چه مکانی والاتر از انقلاب برای پرورش نسل آینده که بلاشک جزوی از این مسیر خواهند بود. این مکان، جایی گذری نیست، بل علتی است هستنده، که می‌توان قسمت به قسمت آن‌را ارزشمند دانست. جدای از کتابفروشی‌های جذاب و ساختمان‌های دوست‌داشتنی، به‌خصوص در کوچه پس‌کوچه‌ها، خانه‌هایی که منزل هرکدام از ماست، این خیابان وجود رونده‌ی هویت ملی مایی است که برای بهتر شدن و درستی، ناچاریم از توشه‌ی علم برداشت کنیم و چنین می‌شود که راه تمامی ما در انتها منتهی خواهد شد به تقاطع آزادی، کارگر، جایی که دانشی برای به‌روزی نهفته است.

شد و خیابان انقلاب نیز هر روز به سمت غرب پیشروی می‌کرد و این پیشروی باعث تشکیل و شهرنشینی محله‌هایی مانند سلسبیل و محله جی شد تا نوبت به پهلوی دوم رسید.

در زمان محمدرضا پهلوی نیز اتفاقات بسیار مهم دیگری در خیابان انقلاب، این خیابان را به محله‌ای پررفت‌وآمدتر از گذشته کرد. احداث تئاتر شهر، پارک دانشجو، چندین سینما [در سال ۱۳۲۲ خورشیدی، سینما دینا (سینما سپیده کنونی) با معماری وارطان هوانسیان، معمار نوگرا و برجسته‌ی ایرانی، آغاز به کار کرد. سینما رویال (فردوسی کنونی) با مالکیت باتمانقلیچ در سال ۱۳۴۴ و یک سال پس از آن سینما پلازا، در خیابان شاهرضا، میانه‌ی دو خیابان وصال و کاخ (فلسطین) ساخته شد. سینما پلازا با نمایش فیلم «خواهر محبوب من» آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۵۴ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سینما پلازا را اجاره کرد و با دوبله‌ی شماری از فیلم‌های بخش کودکان، به نمایش آن‌ها برای بچه‌های عضو کانون پرداخت. و میدان آزادی از جمله این اتفاقات بودند. احداث تئاتر شهر خیابان انقلاب را در مرکز توجه هنرمندان تئاتر و سینما و اقشار مختلف کرد. تمامی مراکز خیابان انقلاب از جمله بزرگترین مراکز فرهنگی و خدماتی زمان خود بودند و این مراکز در حاشیه خود در محله انقلاب، حجم وسیعی از سکونت‌ها و مراکز تجاری را به وجود آورد و خیابان انقلاب تبدیل به مرکز و قطب تجاری و اداری و خدماتی شهر تهران شد. از طرفی احداث میدان آزادی و برج آزادی خیابان انقلاب را تا ورودی تهران در میدان آزادی امتداد داد و این خیابان به همراه خیابان آزادی یا خیابان آیزنهاور مبدل به بزرگترین خیابان ورودی به تهران و دسترسی به بزرگترین مراکز تجاری و خدماتی و آموزشی شهر تهران شد. اما چه شد که انقلاب خانه‌ی ابدی کتاب پایتخت شد؟

تا حوالی سال ۱۳۲۰، همچنان کتابفروشی‌ها در ناصرخسرو و اطراف بازار، به‌قوت قبلی خود باقی بودند (بورس اسبق کتاب)، اما بعد از سال ۱۳۳۲ کم‌کم کتابفروشی‌ها احساس کردند آن فضا هم کمی محدود است و با توجه به فشار سیاسی که رژیم حکومتی آن زمان برای ناشران کتب دینی به وجود آورده بود [وقوع حوادث شهریور ۱۳۲۰ از یک طرف و خراب کردن بخش غربی خیابان ناصرخسرو به دستور رضا شاه برای ساختن وزارت دارایی را می‌توان از دلایل اصلی این کوچ اجباری دانست]، تصمیم گرفتند تا محل جدیدی را برای فعالیت‌های خود برگزینند و در این زمان بود که کتابفروشان محلی نزدیک به دانشگاه تهران را به‌عنوان مقصد بعدی خود انتخاب کردند [براساس گفتارهای نصرالله حدادی؛ تهرانشناس]. به‌عبارتی، نزدیکی به دانشگاه تهران از مهم‌ترین دلایل حضور کتابفروشی‌ها در خیابان انقلاب بود.

می‌توان نخستین کتابفروشی‌ای را که در خیابان انقلاب کنونی آغاز به کار کرد انتشارات چهر به مدیریت دکتر حسین فریور دانست. این کتابفروشی که سال‌ها پیش از آن در خیابان سعدی بنیان گذارده شده بود، در سال ۱۳۴۲ به خیابان شاهرضا یا همان انقلاب کنونی، منتقل شد. یک سال پس از آن انتشارات طهوری به مدیریت عبدالغفار طهوری روبه‌روی دانشگاه تهران گشایش یافت. طهوری پیش از

می‌توان نخستین کتابفروشی‌ای که در خیابان انقلاب کنونی آغاز به کار کرد را انتشارات چهر به مدیریت دکتر حسین فریور دانست. این کتابفروشی که سال‌ها پیش از آن در خیابان سعدی بنیان گذارده شده بود، در سال ۱۳۴۲ به خیابان شاهرضا یا همان انقلاب کنونی، منتقل شد. یک سال پس از آن انتشارات طهوری به مدیریت عبدالغفار طهوری روبه‌روی دانشگاه تهران گشایش یافت. طهوری پیش از آن در خیابان جمهوری کنونی و در سال ۱۳۳۲ آغاز به کار کرده بود